



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: قبله

بخدمت در قبله بود، آیت الله طباطبائی اعلی الله مقامه در تفسیر المیزان بحثی در مورد قبله دارد و می فرماید: «تشریح القبلة في الاسلام، واعتبار الاستقبال في الصلوة. وهي عبادة عامة بين المسلمين. وكذا في الذبايح، وغير ذلك مما يتلى به عموم الناس أحوج الناس إلى البحث عن جهة القبلة وتعيينها وقد كان ذلك منهم في اول الامر بالظن والحسبان ونوع من التخمين، ثم استنهض الحاجة العمومية الرياضيين من علمائهم أن يقربوه من التحقيق، فاستفادوا من الجداول الموضوعية في الزيجات لبيان عرض البلاد وطولها، واستخرجوا انحراف مكة عن نقطة الجنوب في البلد، أي انحراف الخط الموصول بين البلد ومكة عن الخط الموصول بين البلد ونقطة الجنوب (خط نصف النهار) بحساب الجيوب والمثلثات ثم عينوا ذلك في كل بلدة من بلاد الاسلام، بالدائرة الهندية المعروفة المعينة لخط نصف النهار، ثم درجات الانحراف وخط القبلة... إلى... حتى قام الشيخ الفاضل البارع الشهير، بالسردار الكابلي، رحمة الله عليه. في هذه الاواخر بهذا الشأن فاستخرج الانحراف القبلي بالاصول الحديثة، وعمل فيه رسالته المعروفة، بتحفة الاجلة في معرفة القبلة، وهي رسالة ظريفة بين فيها طريق عمل استخراج القبلة بالبيان الرياضي، ووضع فيها جداول لتعيين قبلة البلاد... إلى آخر كلامه الشريف»^۱.

خلاصه ایشان خیلی از سردار کابلی تعریف کرده و به بزرگی یاد کرده و در جایی از تفسیر المیزان دیدم که خبر رسید به علامه طباطبائی که سردار کابلی از دنیا رفته و ایشان خیلی ابراز تأسف کردند.

یکی از مطالبی که آیت الله طباطبائی ذکر کرده در مورد شبهه انحراف قبله محراب مسجد النبی و مسجد الحرام و مسجد کوفه می باشد که در بحار و سفینه البحار این مطلب ذکر شده و آخر الامر علماء ما فرمودند در زمان خلفا قبله منحرف شده، ایشان می فرماید این یک مصیبتی بود برای عالم اسلام تا اینکه خداوند متعال این مرد بزرگ محقق کابلی را برانگیخت و آمد و راه را بواسطه کتاب تحفة الأجلة روشن کرد و البته ایشان از کتاب رزم آراء نیز اسم می برد که ابزار و آلاتی را درست کرده و جهت قبله را محاسبه کرده.

امروز مقداری از کلام مرحوم نراقی در مورد قبله در مستند الشیعة که مورد توجه و اعتنای فقهاء ما می باشد را می خوانیم تا مطلب روشن شود: «ثم معرفة القبلة بالقواعد الهيوية يمكن من وجوه كثيرة نحن نذكر شطرا منها:

فتارة تعرف بالشمس، وتوضيحه: إن الشمس تكون مارة بسمت رأس مكة. شرفها الله تعالى. حين كونها في الدرجة الثامنة من الجوزاء والثانية والعشرين من السرطان وقت انتصاف نهار مكة، لأن ميل كل منهما عن المعدل بقدر عرضها، والتفاوت بين نصف نهار كل بلد ونصف نهارها بقدر الفصل بين طوليهما، لأنه قوس من المعدل واقع بين دائرتي نصف نهار البلدين.

«^۲.

تمام مسائل مربوط به آسمان و ماه و خورشید و کواکب روی حساب و کتاب است و بسیار منظم و مرتب می باشد و یکی از آنها همین بروج دوازده گانه می باشد؛ حمل و ثور و

^۲ مستند الشیعة، مرحوم نراقی، ج ۴، ص ۱۷۱.

^۱ تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، ج ۱، ص ۳۳۵.

ارتفاع الشمس عند المقنطرة ، فظل الشاخص حينئذ على سمت القبلة . لا تخرج عن الطريقة المذكورة ، بل هي هي في الحقيقة.^۳

خواجه نصیرالدین طوسی اولین کسی بود که این مطالب را بیان کرده و همچنین شیخ بهائی در کتاب جبل المتین نیز این مسائل را ذکر کرده، شیخ بهائی مقام علمی بسیار بالائی دارد و امام رضوان الله علیه می فرماید گاهی بعضی ها می گویند امثال شیخ بهائی با سلاطین مرتبط بوده اند! خب اینها ناچار بودند برای پیش برد امور اسلام و مسلمین ارتباطاتی داشته باشند تا بتوانند احکام اسلام را بیان و پیاده کنند و بنده نیز معتقدم هیچکس در این دنیا نتوانسته جایگاه شیخ بهائی را نسبت به اهل بیت علیهم السلام پیدا کند و ایشان یک خانه ای را در مشهد خریده و فرموده من را در خانه ام دفن کنید و وقتی ما به زیارت امام رضا علیه السلام می رویم دو مرتبه یعنی یک بار موقع رفت و یک بار موقع برگشت قبر شیخ بهائی را نیز زیارت می کنیم. بقیه بحث بماند برای بعد إن شاء الله تعالی... .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله
علی محمد و آله الطاهیرین

جوزا، سرطان و اسد و سنبله، میزان و عقرب و قوس، جدی و دلو و حوت، اهل بیت علیهم السلام که احکامی را برای قمر در عقرب ذکر کرده اند معلوم می شود این بروج دوازده گانه را قبول کرده اند و یک دعائی نیز از حضرت سجاد از امیرالمؤمنین علیهما السلام در صحیفه سجادیه ذکر شده که حین رؤیت حلال می خواندند و در کتاب دیگری نیز آقای بروجردی این دعا را از پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل کرده، خلاصه ماه و خورشید و زمین همگی روی این بروج حرکت می کنند و قبله نیز با این مسئله مرتبط می باشد.

مرحوم نراقی در ادامه کلامش می فرماید: «وعلى هذا فإذا رصد يوم كون الشمس في إحدى الدرجتين وأخذ لكل خمس عشرة درجة من التفاوت بين الطولين ساعة ، ولكل درجة أربع دقائق ، ويجمع الحاصل ، فإذا مضى بقدره من نصف نهار البلد ، إن كان شرقيا من مكة أي زاد طوله على طولها ، وإذا بقي بقدره إليه إن كان غربيا منها أي نقص طوله عن طولها ، فسمت ظل الشاخص حينئذ هو القبلة ، وهي إلى خلاف جهة الظل ، فإذا جعل المصلي الظل بين قدميه وسجد عليه متوجها إلى الشاخص يكون متوجها إلى القبلة.

وإن لم يكن فصل ما بين الطولين بل اتحد طول البلد ومكة ، فيؤخذ الظل حال وصول الشمس إلى دائرة نصف النهار ، أو يؤخذ الشمس حال زوالها بلا مهلة على طرف الحاجب الأيمن مما يلي الأنف.

ثم الطريقة المشهورة في استخراج سمت القبلة بالأسطرلاب . وهي أن تضع إحدى الدرجتين السابقتين من منطقة البروج على خط وسط السماء في صفحة البلد حال كون الشمس في تلك الدرجة ، وتعلم موضع المري من الحجرة ، ثم تدبر العنكبوت بقدر ما بين طول البلد ومكة إلى المغرب إن زاد طوله ، وإلى المشرق إن نقص ، فحيث انتهت الدرجة من مقنطرات الارتفاع رصد بلوغ

^۳ مستند الشيعة، مرحوم نراقی، ج ۴، ص ۱۷۱.